



نشریه خبری

سازمان مجاهدین خلق ایران

شماره ۸

۵ بهمن ماه ۱۳۵۳

تهران - اخبار مربوط به منطقه‌گردی پلیس مزدور در هنگام شب:

چهارشنبه ۱۳ آذرماه گذشته از ساعت ۱۲ نیمه‌شب تا ۷ صبح منطقه میدان‌شاه تا مولوی (قسمت جنوبی) که شامل کوچه‌های محمدیه، فرزانه، ... می‌شود، حکومت نظامی بود و خانه‌ها را می‌گشتند. یکی از کارگران که همان حوالی در کارخانه شبکاری می‌کرده، می‌گفت: «دیدم از پشت‌بام صدای پا می‌آید، بالا رفتم، سربازی مسلسل را در سینه‌ام گذاشت، گفتم چه می‌گوئی؟ گفت: کی هستی؟ تکان نخور! گفتم من کارگرم و داریم اضافه‌کاری می‌کنیم... بعد از بررسی محل کار ما رفتند.»

شخص دیگری که خانه‌اش در همان منطقه است می‌گفت: «نیمه‌شب چند افسر و سرگرد به خانه آمدند و تمام اطاق‌ها و زیرزمین را رسیدگی کردند. به يك اطاق که یکی از زنان خانه در آنجا مریض و بستری بود، خواستند بروند که ما جلوگیری کردیم. یکی از افسران هفت‌تیرش را برای ما کشید. ما ترسیدیم. بالاخره بزور وارد آن اطاق شده و بعد از گشتن رفتند. از قرار معلوم به اهالی گفته بودند که از ساعت ۱۲ تا ۷ صبح هرکس از خانه بیرون برود کشته خواهد شد.»

یکی دیگر از اهالی می‌گفت: «در خانه ما را زدند. موقعی که دم در آمدم، تعداد زیادی افسر و سرگرد و سرباز سرتاسر کوچه را محاصره کرده بودند.»

یکی دیگر می‌گفت: «باصطلاح دنبال خرابکاران می‌گردند. اما چه خرابکاری؟ اگر بخواهی این حساب‌ها را بکنی الان در دنیا خیلی از این خرابکارها هستند.»

یکی دیگر از اهالی آنجا می‌گفت: «آنها نردبان تاشو داشتند و قبل از اینکه درب منزل را بزنند، سربازان بوسیله نردبان پشت‌بام را محاصره می‌کردند. مبادا کسی از پشت‌بام فرار کند.»

دیگری می‌گفت: «این پدرسوخته‌ها مال مردم را نشان می‌کنند. بعد خودشان آدرس خانه مردم را به دزدها می‌دهند. چون دزدهای سابقه‌دار و فعال را خودشان می‌شناسند. بعد از چند مدت خانه مردم را سرقت می‌کنند.»

یکی دیگر می‌گفت: «شبی که این منطقه را گشته‌اند، فردایش فرودگاه خراب شد. حتماً کار «خرابکاران» بوده است و گر نه اگر برف بخواهد سقف فرودگاه را خراب کند پس خانه‌های ما که خشتی و قدیمی است باید با خاک یکسان می‌شد.»

یکی دیگر می‌گفت: «به خانه ما آمدند، همه‌جا را گشتند، بعد به اطاق خواب ما آمدند، من کنار اطاق ایستاده بودم و همسر که مریض بود در رختخواب خوابیده بود، گفتند باید او را بلند کنی او را ببینیم. من با ناراحتی گفتم آقا او همسر من است و بیمار است. گفتند امکان ندارد حتماً باید او دیده شود. بالاخره با ناراحتی او را از بستر بلند کردیم و او را دیدند.»

در یکی دیگر از اطاق‌های ما رفتند. چون پدرم فرش‌فروش است فرش زیادی در منزل داشتیم. یکی از افسران با تعجب گفت: به! اینهمه فرش مال کیست؟ شما اینها را از کجا آورده‌اید؟ من با ناراحتی گفتم آقا پدر من فرش‌فروش است. و از نظر امنیتی فرش‌ها را در خانه خود می‌گذاریم و گر نه ما که دزد نیستیم.»

یکی دیگر از اهالی از افسران پرسیده بود: «آقا دنبال چه می‌گردید؟ گفته بودند: ۲ نفر عراقی فرار کرده‌اند، دنبال آنها می‌گردیم.»

در شب گذشته منطقه‌ای پلیس وارد خانه‌ای در جنب مسجد انتهای کوچه محمدعلی دندانساز می‌شود. صاحب خانه سرکه فروش بوده است. پلیس تمام خمره‌های سرکه را باز کرده و يكبهيك آنها را بازرسی می‌کند. پیرزنی هم که در آن اطاق خواب بوده صدا می‌کند، که پیرزن رنج‌کشیده پس از بیدار شدن در اثر ترس سخته می‌کند.»

شایع است در خانه دیگری جوانی که روی کتاب‌های خود خواب رفته بود بیدار کرده‌اند بعد از اینکه خانه‌اش را گشته‌اند او را با کتاب‌هایش برده‌اند. از قرار معلوم کتاب‌های شریعتی را داشته است.

شب سه‌شنبه ۱۸ آذرماه چند خانه را در کوچه شترداران واقع در میدان‌شاه گشته‌اند.

ساعت ۲ بعد از نیمه‌شب در سهرای آذری کوچه‌ها را پست‌بندی کرده و به خانه‌ها ریختند. از وضع مستأجران سوال کرده و هر جا زن و مرد جوان و مجرد، چه محصل و چه کارگر می‌دیدند، بدون توجه به کارت شناسایی همراه خود می‌بردند، تا در کمیته از آنها تحقیق بعمل آورند. می‌گویند تنها از يك کوچه ۲۳ نفر را برده‌اند.

چندی قبل حدود خیابان مولوی بهنگام خانه‌گردی زو خوردی شده که دو نفر فرار کرده و يك نفر دستگیر شده است.

آعاجاری - اعتصاب پیروزمندانه رانندگان شرکت نفت:

در شهریورماه گذشته رانندگان شرکت نفت آعاجاری دست به اعتصاب زدند. علت اعتصاب این بود که پیمانکار پرداخت روزانه ۴۵ ریال به رانندگان، که از قبل مقرر شده بود، خودداری می‌کرد و آن را بالا می‌کشید. رانندگان اعتصاب‌کننده، بهنگام اعتصاب، گرد عکس بزرگی از شاه مزدور جمع شده بودند و خواستار حق خود بودند، و کارمندی که برای موعظه و راضی کردن آنها به میانشان می‌آمدند، با فحش و کتک تنبیه می‌کردند. این اعتصاب سرانجام با پیروزی رانندگان و شکست پیمانکار به پایان رسید.

اصفهان - مصادره بانك پارس:

طبق اخبار رسیده، شعبه بانك پارس واقع در خیابان چهارباغ خواجهی اصفهان، در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر روز سوم شهریور ماه گذشته مصادره شده است.

تهران - شهادت مبارز دلیر خلیلی بوسیله رگبار مسلسل مأموران مزدور گشتی:

در روز بیستم مرداد ماه گذشته فردی بنام خلیلی در حوالی زندان قصر بهنگام ورود به خانه‌اش، دستور ایست مزدوران يك اکیپ گشتی را می‌شنود و تصمیم به فرار می‌گیرد. در این هنگام مأموران گشتی او را به رگبار مسلسل می‌بندند. خلیلی مبارز به شهادت می‌رسد. شهید خلیلی در دوران خدمتش نیز يك بار دستگیر می‌شود. پدر خلیلی کارگر است. و ۲ برادر مبارز خلیلی نیز فعلاً در زندان شاه اسیرند.

نیریز فارس - کشته شدن دو سرباز و مصادره تفنگ‌های آنها:

چندی پیش دو تن از سربازان جنگلبانی و مراتع در نیریز فارس، کشته شده و تفنگ‌های آنان مصادره شده است. از طرف دیگر نشانه‌های فعالیت‌های انقلابی در این شهر به‌چشم می‌خورد. از جمله اینکه بتازگی بر روی در و دیوار این شهر در نقاط مختلف رادیوی میهن‌پرستان را تبلیغ کرده‌اند.

قیرو کارزین فارس - حمله به پاسگاه، کشتن ژاندارم‌ها و مصادره اسلحه:

مردم رنج‌کشیده قیر و کارزین فارس که پس از زلزله اخیر، در چادرهایی در نزدیکی منطقه زلزله‌زده اسکان داده شده‌اند، در وضع بسیار بدی زندگی می‌کنند. شایع است که اخیراً عده‌ای از درون چادرها، مسلحانه به پاسگاه محل حمله کرده و پس از کشتن چند ژاندارم، مقادیری اسلحه از آنجا به غنیمت می‌برند. پس از این عمل تمام چادرها بوسیله ارتش محاصره می‌شود. و به بازرسی چادرها می‌پردازند، ولی سرانجام به چیزی نمی‌رسند. در این هنگام سربازها به فرمان فرمانده خود فروخته‌شان شروع به آتش زدن چادرها می‌کنند. روزنامه کیهان خبر این جنایت رژیم ضدمردمی شاه را تحت این عنوان که «بعلت انفجار کپسول گاز، چندین چادر سوخته است» درج کرد.

بندر پهلوی - حمله به ماشین حامل برنج و مصادره برنج:

اواخر تیرماه گذشته عده‌ای از زنان خانواده‌های فقیر و رنج‌دیده بندر پهلوی جلوی در فروشگاه تعاون و مصرف و شهر و روستای این شهر صف بسته، منتظر نوبت بودند، تا برنج ارزان پاکستان کیلویی ۴۰ ریال بخرند، (برنج غذای اصلی شمالی‌هاست). کامیونی پر از برنج از تهران می‌رسد و جلوی فروشگاه پارک می‌کند، اما کسی برای انتقال آنها به فروشگاه برای فروش به مردم اقدام نمی‌کند. در این هنگام اعتراض زنها بلند می‌شود و شروع به فحش‌دادن و بدویراه گفتن به مسئولین و رئیس فروشگاه می‌کنند. ولی کسی توجه نمی‌کند. عاقبت زنها که اغلبشان از محله‌های فقیرنشین شهر بودند، بخصوص زهای محله «چایی» به طرف کامیون هجوم برده و برنج‌ها را کف خیابان می‌ریزند و عده‌ای هم در شلوغی و گرماگرم جریان مقداری هم مصادره کرده از محل فرار می‌کنند در این هنگام رئیس فروشگاه سر می‌رسد. زن‌ها بر سر او ریخته و شدیداً کتک می‌زنند و سپس فرار می‌کنند. گفته می‌شود که رئیس فروشگاه بخاطر کتک‌ها، بیش از یک هفته در بیمارستان بستری بوده است.

شایان ذکر است که چند ماه پیش نیز زن‌های محله «چایی» در زدو خوردی با مأمورین منابع طبیعی شوهران صیاد خود را از چنگ آنها نجات داده بودند (مراجعه شود به مجاهد نشریه سازمان مجاهدین خلق ایران شماره ۴).

اصفهان - اعتصاب مرغ‌فروش‌ها:

مرغ‌فروش‌های اصفهان از ۳۰ مرداد تا اول شهریورماه گذشته به مدت سه روز دست به اعتصاب زدند. علت اعتصاب، اعتراض به نرخ تعیین‌شده مرغ از طرف اطاق اصناف بود.

«بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران»

اطلاعیه سیاسی شماره ۲ گروه انقلابی ابوذری

«اذا جاء نصر الله و الفتح و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسبح بحمد ربك و استغفر، انه كان توابا»

هنگامی که فتح و پیروزی خدا در رسد، خلق را بینی که گرومگروه براه خدا و راه تکامل خود پانهند و وقتی به یاری خدا انقلاب به پا شود، خواهی دید که خلق منقلب فرج‌فوج به مبارزه می‌پیوندند. پس راه پیروزی خلق را دنبال کن.

شور انقلاب رای آزادی و گسیختن بندهائی که رژیم منفور سرمایه‌داری بر دست و پای خلق افکند. در تمام نقاط دنیا بالا گرفته است. خلق‌ها به رهبری پیشگامانشان پا در راه مبارزه علیه امپریالیسم خونخوار گذاشته‌اند. و در هر نقطه‌ای از جهان - آرژانتین - ایرلند - طافار - ویتنام - فلسطین - ترکیه - پاکستان - ایران و... صحنه‌ای است از برخورد و جدال انقلاب و ضدانقلاب، و هر روز جنگی است بین پیشگامان خلق‌ها و دشمنان خلق‌ها، خلق ایران نیز همچون سایر خلق‌های دنیا بپا خواسته تا با سرنگون کردن بساط حکومت نوکر منطقه‌ای سرمایه‌داری جهانی راه تکامل برخورد بگشاید، شهادت شهدای عزیز سازمان‌های چریکی ریشه‌دار و سایر سازمان‌های در حال رشد دیگر، مؤید این حقیقت است. گروه انقلابی ابوذری نیز بعنوان صدای خشمگین مشت گره خورده توده محروم عملیات خود را در راه ایجاد جامعه‌ای توحیدی، در سطحی وسیع ادامه می‌دهند.

تاریخچه‌ای کوتاه از مبارزات خلق نه‌اوند:

نظر به نابسامانی‌هایی که از دیرباز در نه‌اوند وجود داشته است و وضع اقتصادی ناحیه که از قبل منافع حیاتی مردم بوسیله فنودال‌های درباری بالا کشیده می‌شده است، کینه‌ای عمیق نسبت به دستگاه در قلب مردم این ناحیه جا گرفته است. سالمندان نه‌اوند هنوز هنگام صحبت از زورگویی‌ها و آدم‌کشی‌های رضاخان قدارمبند، نام او را با نفرین که نمایشگر خشم عمیقشان نسبت به آن مزدور استعمار سیاه انگلیس است یاد می‌کنند.

مردم نه‌اوند هرگاه فرصت پیش آمده، این خشم خود را نشان داده‌اند. در واقعه کودتای ننگین (سیا) آمریکا در ۲۸ مرداد ماه ۳۲ علیه فرزند خلف استعمار جهانی تظاهرات عظیمی بپا کردند. آنان دلاورانه در حالی که فریاد می‌زدند «زنده‌باد مصدق» «مرگ بر شاه» در خیابان‌های نه‌اوند با چوب و چماق براه افتاده بودند، مجسمه شاه را پائین کشیده و خرد کردند. در ۱۵ خرداد ۴۲ نیز مردم نه‌اوند نقش خود را در این رستاخیز بزرگ بخوبی ایفا کردند. در این روز نیروی خدائی در بازوان خلق دمیده شده بود، خون جلوی چشم‌ها را گرفته و طاقت مردم طاق شده و ملت بحد انفجار رسیده بود. پس از انقلاب امام خمینی با گذشت سال‌ها، کهنسالان توان خود را از دست دادند. جوانان آن زمان بعزت دنبال نشدن انقلاب، شور خود را از دست دادند، و غرق در مسائل روزمره زندگی شدند. محیط نه‌اوند به گورستانی مبدل شده بود... اکثر نقاط ایران هم کمابیش چون نه‌اوند سرد و خاموش بود.

در اواخر سال ۴۹ آسمان تاریک ایران با آتش گلوله رزمندگان جبهه آزادی در جنگ‌های شمال روشن شد و عملیات سازمان مجاهدین خلق ایران - سازمان چریک‌های فدائی خلق - گروه آرمان خلق و نوید صبح شدن این شب ظلمانی را به دل آنهایی که هنوز شوری داشتند مژده داد.

از اوایل سال ۴۹ عناصر روشنفکر و انقلابی نهادند تلاش‌های وسیعی در جهت روشن کردن افکار عمومی نسبت به ماهیت رژیم و شناساندن اسلام واقعی و گوشزد کردن مسئولیت‌های آنها در قبال جامعه‌شان در میان مردم و مخصوصاً جوانان شروع کردند. در این میان برادر مجاهد - بهمن منشط - بیش از همه تلاش می‌کرد. او همیشه در فکر پیدا کردن شیوه‌های بهتر مبارزه بود. او از دوران کودکی گرسنگی جانکاه خلق را لمس کرده بود. برادر منشط از محرومیت‌های خلق بیش از حد رنج می‌برد و در پی یافتن راحل نهائی لحظه‌ای قرار نداشت و بالاخره او، راحل نهائی را در يك انقلاب مسلحانه روشنفکرانه دید. پس از دو سال و اندی مبارزه فرهنگی، مبارزین مسئول رو به مبارزه مسلحانه توده‌ای آوردند. و گروه «انقلابی ابوذر» در جهت مبارزه مسلحانه شروع به فعالیت کرد. در وحله اول تیم به فرماندهی مجاهد شهید، عبادالله خدارحمی به عنوان اولین تیم چریکی گروه شروع به عملیات کرد. و سایر برادران به کارهای پشت جبهه و آماده کردن خود پرداختند.

سال ۵۲ برای گروه، سال بدی بود. دستگیری‌های تیرماه ۵۲ ضربه مهلکی به گروه وارد آورد. چند تن از بهترین افراد گروه در یورش ساواک به قسمتی از گروه، دستگیر و روانه زندان شدند. دستگیری این عده و شهادت شش تن از صدیق‌ترین برادران - عبادالله خدارحمی - بهمن منشط - حجت‌الله عبدلی - ماشاءالله سیف - ولی‌الله سیف - روح‌الله سیف - آنچنان تأثیری روی مردم و بخصوص جوانان گذاشت، که تا یکسال بعد از دستگیری هرچند نفر جمع می‌شدند، فقط صحبت از شهداء و راه آنان و اهداف آنان بود. این یورش ساواک به گروه، گرچه ضربه مهلکی بود ولی باعث ازدیاد هرچه بیشتر خشم توده و مخصوصاً جوانان نسبت به رژیم و روی آوردن آنان به مبارزه علیه رژیم گشت.

هدف اولیه بنیان‌گذاران گروه برآورده شد. و سطح آگاهی و بینش سیاسی توده بسیار بالا رفت. بطوری که برای هر تازه‌واردی به نهادند کاملاً محسوس است و سوره نصر در نهادند مصداق پیدا کرد. علاقه مردم به فرزندان راستین‌شان و خشمشان نسبت به دربار ننگین پهلوی و عمال آنها در ناحیه به حدی بود که نتوانستند تحمل کنند و بگذارند در شهری مجاهدپرور جشن مشروطه - مشروطه‌قلابی به این سیاهی را در این شهر براحتی برگزار کنند و خشم خود را با به آتش کشیدن خانه رئیس مزدور آگاهی و نمایندگان ساواک در نهادند در نیمه‌شب، شب دوشنبه ۱۴ مرداد نشان دادند.

بعد از دستگیری‌های تیر ۵۲، سایر اعضای گروه رو به کار گروه‌بندی و ایجاد تشکیلات سازمانی نهادند و با کوشش مداوم توانستند نیروهای خود را جمع کرده و جای خالی برادران شهید را پرکنند و اولین بار پس از دستگیری اعضا به قصد انتقام خون شهدا به خانه تیمسار مزدور و رئیس بیدادگاهی که چند تن از برادران را به مرگ محکوم کرده بود حمله بردند. با اوج گرفتن عملیات گروه، ساواک در نهادند دست به دستگیری‌هایی به منظور دست‌یافتن به اعضای گروه زده است که بعلت هوشیاری برادران، در هیچ‌یک از این اقدامات موفق نبوده است. ساواک اخیراً عده‌ای از جوانان و نوجوانان و پیشه‌وران نهادند را دستگیر و روانه شکنجه‌خانه‌های همدان کرده است.

با اطمینان به پیروزی نهائی و با استفاده از تجربیات سایر هم‌زمان، گروه، مبارزه را تا شکست نهائی عاملین استعمار و انهدام کاخ‌های فرعونیشان ادامه می‌دهد....

گروه انقلابی ابوذر

آبان‌ماه ۵۳